

نشست رسانه‌های صبا با عوامل نمایش عددهای نشده در نمایشگاه مطبوعات

نباید قیافه‌ات را شبیه و



مجموعه



احمد محمد اسماعیلی

گفت و گو

مجموعه رسانه‌های صباروز گذشته در نمایشگاه رسانه‌های ایران میزبان عوامل نمایش «عددهای نشده» بود و خبرنگار صبا با این گروه درباره نمایش و وضعیت موجود تئاتر در کشورمان به گفت‌وگو نشست. نمایش «عددهای نشده» روایت زندگی آدم‌های دور و برمان و یا شاید خودمان است که تلاش می‌کنند خود واقعی‌شان را از آن چیزی که هستند بیشتر و برتر نشان بدهند تا بتوانند به جایگاهی که به آن اعتقاد دارند برسند. در این راه ممکن است با دیگران دچار چالش بشوند و در این راه حتی توانایی سایرین را زیر بوته نقد می‌برند و با این رویه آنها را از خودشان دور می‌کنند و این سر آغاز تنهایی است. اتفاقی که برای بهنام شخصیت اصلی این نمایش به شکل ملموسی رخ می‌دهد. نمایش «عددهای نشده» اسفند ماه در تالار قشقایی روی صحنه است. گفت‌وگو خبرنگار صبا با حسین کشفی اصل طراح و کارگردان، رویا بختیاری و عزالدین توفیق بازیگران نمایش درباره فضا و شخصیت‌هایی که ایفا کرده‌اند را در ادامه می‌خوانید.

متن عددهای نشده را محمد میر علی اکبری پنج سال قبل نوشت و روی صحنه اجراش کرد. چقدر در اجرای نمایش تان در متن تغییراتی اعمال کردید؟

حسین کشفی اصل: تغییرات در حد جا به جایی چند صحنه است و البته این تغییرات در گفت‌وگو و تعامل با محمد میر علی اکبری انجام شد.

به چه دلیل این کار را انجام دادید؟

کشفی اصل: این تغییرات به روان تر شدن ریتم و هم به شخصیت پردازی بهتر شخصیت اصلی نمایش (بهنام) کمک می‌کرد. شروع و انتهای کنش و حضور بهنام در نمایش با این روند بهتر در معرض دید مخاطب قرار می‌گیرد.

چقدر نشان دادن این جنس از آدم‌های مدعی برای تان جدی بود؟

کشفی اصل: مسئله مهمی بود. تمام احساساتم و حرف‌هایم را در یادداشت کارگردان در بروشور عنوان کردم. حرفه ما سخت، عجیب و غریب است. سالها در حوزه کاری تان تلاش می‌کنید رنج می‌برید و دست آخر می‌بینید که عددی نشده‌اید! برخی از مواقع هم به جایگاهی می‌رسید و فکر می‌کنید عددی شده‌اید اما در خلوت احساس تنهایی می‌کنید. از این نوع آدم‌ها به وفور در حرفه ما وجود دارد.

بهنام‌های نوعی در دور و برمان به خصوص در جامعه هنری زیاد داریم. آدم‌های پر مدعایی که مدام در حال نقد عملکرد و نظریات دیگران هستند و نقاط ضعف خودشان را نمی‌بینند. چه ویژگی‌های دیگر بهنام برای تان جذابیت داشت؟

عزالدین توفیق: اولین نکته جذاب این نمایش متنش بود و حرفی که مطرح می‌کند و نقشم و پارتنرهای رو به رویم همگی برایم مهم بودند که در نمایش بازی کردم. موقعی که متن را خواندم خیلی‌ها را در قالب شخصیت توفیق دیدم...

ممکن است خیلی از همکارانتان چنین خصلت‌های داشته باشند؟

توفیق: بله، همکار و یا غیر همکار در هر رشته و فنی این جنس از آدم‌های پر مدعی وجود دارد. خودم و همکارانم را جدا نمی‌کنم از جامعه مهندس‌ها، پزشکان و کاسب‌ها و... همه اینها مانند بهنام نوعی درونشان دارند.

خصلتی که به نظر می‌رسد در میان ایرانی‌ها پر رنگ‌تر است؟

توفیق: آدم‌های ایرانی خصلتی متمایز از سایر آدم‌ها دارند که اغلب مدعی هستند و راجع به هر چیزی صحبت و اظهار نظر می‌کنند.

اختر در نمایش کمتر چنین ویژگی دارد؟

رویا بختیاری: در متن، همه آدم‌ها چنین خصلتی ندارند. این بیشتر دغدغه و مسئله شخصیت اصلی نمایش یعنی بهنام است. بقیه شخصیت‌ها در مقابل و مواجه با او تعریف می‌شوند و سایر خصلت‌های او را نشان می‌دهند. موافقم که اختر، این ویژگی را ندارد و چند کاراکتر دیگر هم همینطور.

مثال می‌زنید؟

بختیاری: مهشید و...

معتقدم نویسنده متن محمد میر علی اکبری بیشتر خواسته این خصلت‌ها را در نمایش‌اش به آدم‌های هنرمند الصاق کند؟

بختیاری: در حیطه و محدوده هنر شاید این خصلت بیشتر و پر رنگ‌تر در بین آدم‌ها باشد. در میان سایر اقشار هم این خصلت دیده می‌شود مثلاً جراحی که ادعای زیادی دارد و در اتاق عمل دچار خطای محاسباتی می‌شود و مشخص می‌شود معلوماتش طبق ادعایش زیاد نیست و مثال‌های شغلی بی‌شمار دیگر. اختر جایی به یکی از شخصیت‌ها می‌گوید تو که ادعای استاد دانشگاه بودن داری هیچ کارهای بیش نیستی. رد پای این خصلت حتی در میان شغل‌هایی که سواد آچنانی نیاز ندارد نیز دیده می‌شود. من با تحلیل آقای توفیق موافقم و این خصلت متأسفانه در میان بیشتر ایرانی‌ها وجود دارد و ریشه‌های اجتماعی و تاریخی و سیاسی دارد.

خیلی از مدعیان هنر را می‌بینیم که مثلاً با خواندن پشت جلد یک کتاب در حد صد کلمه ادعا می‌کنند به کل مطلب اشراف دارند. آیا بهنام نمایش هم چنین خصلتی دارد و اطلاعات و معلوماتش سطحی است؟

توفیق: قبول ندارم که بهنام چنین آدمی است و معلوماتش عمیق و پشتوانه دار است. آدمی است که مطالعه مستمر و زیاد دارد و تحصیل کرده است. اما شرایط، محیط اطراف، خانواده و... باعث شده‌اند این آدم به جایی نرسد. آدمی است که بر خلاف ظاهرش

تحصیلاتم در رشته ادبیات نمایشی بلد هستم چطور به نقش نزدیک جزئیاتی را به نقش مثل استفاده از الیگو الصاق کنم که نقش اختر قابل باور بشود. من از این روش برای تمام نقش‌هایی که ایفا می‌کنم بهره می‌برم. دو سال پیش هم در نمایش پنگوئن‌های افسرده هم زنی را با وجوه شخصیتی متفاوت با رعایت این پارامترها بازی کردم. کریستین را هم در نمایش خانه عروسک با این شیوه بازی کردم و برایش جایزه گرفتم. هر نقشی را که بازی می‌کنم خیلی سریع می‌نشینم و جزئیات رفتاری و ظاهریش را طراحی می‌کنم.

آیا ریشه میل عجیب بهنام به تحقیر دیگران به بیماری قلبی‌اش مرتبط است؟

توفیق: بیمار که هست. او این مشکل را دارد و بابت این کارش توجیهی هم ندارد و در آن لحظه رنجی را متحمل می‌شود و چون آدم‌ها حرفش را درست نمی‌فهمند تحملش برایش سخت است. **کشفی اصل:** بهنام واقعی رفتار می‌کند و حرف‌هایش درست و موجه است.

توفیق: اینکه موقعی بهنام به سایرین پرخاش می‌کند عمدی نیست بلکه واقعی است و او خوبی و صلاح دیگران را می‌خواهد و در مونولوگش هم مطرح می‌کند «هر آدمی که از دوران کودکی کمبودی ندارد می‌تواند موفق باشد.» همه شرایط باعث شده که بهنام از فضای زندگی نرمال خارج شود. به نظرم یک هدایت و راهبرد درست می‌توانست بهنام را مثل اصغر فرهادی و محمد دولت‌آبادی موفق کند. ماها از بلاهایی که سر بهنام قبل از این آمده بی‌اطلاعیم و او پی‌مکان

کمک می‌کند به دیگران تادیده شوند. در صحنه اول به الوند می‌گوید «تو اگر می‌خواهی به جایی برسی نباید قیافه‌ات را شبیه ونگوگ کنی! و نباید اسم تابلوهایت را مثل نام‌های تابلوهای ونگوگ انتخاب کنی. اگر می‌خواهی موفق باشی باید از بیس تغییر کنی و تلاش مضاعفی داشته باشی.» حرفش این است که با تلاش و معلومات است که هنرمند به جایی می‌رسد. به مهشید که می‌خواهد بازیگر بشود می‌گوید «باید تمرین و تمرین و ممارست داشته باشی و به این حد خود راضی نباشی.» بهنام تمام نکات مهمی را که برای رسیدن به موفقیت لازم است بیان می‌کند و حالا سوال این است که چرا خودش به جایی نرسیده است؟

به نظرم آدم تلاشگری نبوده...

توفیق: تلاشش را کرده اما کم آورده و دیگران مثل پدرش که او را ترک کرده به او کمکی نکرده‌اند و اصلاً معلوم نیست در چه شرایطی بزرگ شده است.

اینها توجیه نیست؟

توفیق: اگر بخواهیم از زاویه توجیه کردن بهنام برای عدم موفقیتش نگاه کنیم این توجیه کردن محسوب می‌شود. اما در این کار چنین رویه‌ای دنبال نمی‌شود.

اختر نمونه قابل اعتنای یک زن سنتی لمین ماب پایین شهری است که در دور و برمان از این جنس می‌بینیم. برای ایفای نقش اختر چه معماری‌ای را طراحی کردید؟

بختیاری: اگر حمل بر خودستایی نباشد. بعد از ۲۵ سال بازیگری و